

بحران اقتصادی و سیاسی در آرژانتین، ابعاد و نتایج آن

معصومه حاجیلی

کارشناس اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

کشور آرژانتین با ۲۷۶۶۸۸۹ کیلو مترمربع مساحت در نیمکره جنوبی قاره آمریکا قرار دارد و به لحاظ وسعت پس از آمریکا، کانادا و برزیل چهارمین کشور این قاره می‌باشد. طبق آخرین آمارها جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۹ حدود ۳۶/۵۸ میلیون نفر بود.^۱ این کشور با وجود آنکه با نقاط حساس و بحرانی جهان فاصله زیادی دارد، لیکن وجود سواحل طولانی آن در کنار اقیانوس اطلس جنوبی و نزدیکی آن به منابع تقریباً دست نخورده قطب جنوب اهمیت استراتژیکی خاصی را برای این کشور پدید آورده است که جنگ ۱۹۸۲ «مالویناس»^۲ بر این اهمیت صحنه گذاشت. صرفنظر از منابع غنی و سرشار این منطقه که اکثراً نیز بکر و دست‌نخورده و در حکم آخرین گنجینه‌های جهان باقی مانده است، این منطقه از دیرباز شاهراه آبی تجارت بین نیمکره جنوبی با دیگر نقاط جهان بویژه اروپا، آفریقا و خاور دور محسوب می‌شود که تا قبل از تأسیس کانال پاناما اهمیت خاصی را متوجه تنگه ماژلان ساخته بود. در حال حاضر نیز علاوه بر این که جاذبه دسترسی و بهره‌برداری از منابع عمده بکر قطب جنوب شامل سنگ آهن، ذغال سنگ، نفت، گاز، طلا، نقره و دیگر مواد معدنی برای کشورهای این منطقه و بلکه سایر کشورهای جهان هنوز به قوت خویش باقی است، کسب برتری استراتژیکی از طریق کنترل و نظارت بر شاهراه آبی مذکور از دیگر اولویتها و امتیازات آن به شمار می‌رود. بدین ترتیب، موقعیت استراتژیکی گذرگاه جنوبی بعنوان تنها راه عبور از

1. BNP PARIBAS, Argentina's Dilema, November 12-25-2001.

۲- جنگ مالویناس در سال ۱۹۸۲ بین کشورهای آرژانتین و انگلستان بر سر جزایر فالکلند صورت گرفت.

جنوب نیمکره غربی از جمله مواردی است که بر اهمیت استراتژیکی آرژانتین افزوده و این کشور را همواره از جایگاه خاصی در مبادلات استراتژیک بهره‌مند ساخته است.

گزارش حاضر در ۴ فصل کلی تنظیم شده است. فصل اول شامل: ویژگیها و سیستم اقتصادی آرژانتین، فصل دوم، بصورت مبسوط بحرانهای اخیر در آرژانتین، فصل سوم دوران پس از بحران جاری و در فصل چهارم گزارش نیز ملاحظاتی چند در خصوص چگونگی اجتناب از بحران، میاشد.

۱- ویژگیها و سیستم اقتصادی آرژانتین (ناریخچه)

کشور آرژانتین تا قبل از رکود اقتصادی سال ۱۹۲۹، با برخورداری از ذخایر سرشار طبیعی، جمعیت کم و سطح بالای تولیدات محصولات کشاورزی و نهایتاً برخورداری از درآمد سرانه بالا، دارای یکی از بالاترین استانداردهای سطح زندگی بوده است. پس از بحران اقتصادی مذکور بر اثر وقوع رکود در بخش کشاورزی وافت شدید بخش صنایع و در نتیجه کاهش رقابت، رشد اقتصادی این کشور به ۴ درصد کاهش یافت و در مقاممقایسه با سایر کشورهای منطقه چون برزیل و مکزیک (بویژه در دهه ۱۹۶۰ میلادی) از اهمیت کمتری برخوردار شد. متعاقباً در دوران حاکمیت نظامیان، اقتصاد این کشور در جهت رهایی از رکود موجود بر پایه سیاست بازار آزاد پی‌ریزی شد و با این استدلال که واردات قادر خواهد بود که ضمن مرتفع ساختن بحران جاری، کیفیت تولیدات صنایع داخلی را افزایش دهد، به این ترتیب برنامه کاهش محدودیتهای گمرکی اجرا شد که با توجه به واردات افسارگسیخته، ضایعات و صدمات جبران ناپذیری را بر صنایع داخلی وارد ساخت. متقابلاً سیاستهای اقتصادی اعمال شده طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی در دوران «خوان دومینگو پرون» که برنامه‌نجات صنایع کشور را در اولویت خود قرار داده بود، موجب شد تا بسیاری از کشاورزان از روستاها و نواحی کشاورزی به شهرها مهاجرت نمایند و در جهت شکوفایی صنعت این کشور مورد استفاده قرار بگیرند که به نوبه خود خسارات زیادی را به بخش کشاورزی تحمیل نمود. بطوریکه صادرات کشاورزی آرژانتین که بعد از جنگ جهانی دوم نیز رونق زیادی یافته بود، دچار رکود شد. جنگ ۱۹۸۲ آرژانتین با انگلستان بر سر جزایر «مالویناس (فالکلند)» کشور را با بحران جدی دیگری مواجه ساخت، به طوری که

سیاست محدودیتهای ارزی که تا قبل از این زمان به هیچ وجه در دوران نظامیان اعمال نمیشد، به مرحله اجرا درآمد. این امر کاهش شدید واردات و افزایش شدید تورم را به دنبال داشت که نهایتاً با توجه به عوارض سوء بر جای مانده از آن به همراه شرایط بین‌المللی، موجبات خروج نظامیان را از صحنه سیاسی کشور فراهم نمود.

دولت غیرنظامی «رئول آلفونسین» (۱۹۸۳) برنامه خروج از بحران اقتصادی را اولویت اصلی خود اعلام نمود و در جهت نیل به اهدافی چون کاهش شدید کسری بودجه، کنترل تورم، اصلاح وضع مالی و نظام مالیاتی؛ جلوگیری از افزایش دستمزدها و در کل فعال نمودن هرچه بیشتر اقتصاد تلاش نمود. به همین جهت این دولت در سپتامبر ۱۹۸۴ موافقتنامه‌ای را با صندوق بین‌المللی پول به منظور دریافت یک اعتبار ۱/۷ میلیارد دلاری امضا کرد که انگیزه اصلی آن حل مشکلات اقتصادی فوق‌الذکر بود. در بخش خارجی نیز مذاکراتی در مورد استمهال بدهیهای این کشور صورت پذیرفت تا آرژانتین بتواند با شرایط سهل‌تری دیون خارجی خود را که تا آن هنگام بالغ بر شصت میلیارد دلار میشد، بازپرداخت نماید. همچنین در جهت تثبیت نرخ ارز و متعاقب مذاکرات انجام شده با صندوق بین‌المللی پول واحد پول جدیدی تحت نام آسترال^۱ ابداع و از ژوئن سال ۱۹۸۵ به جریان گذاشته شد که هر واحد آن معادل ۱۰۰۰ پزوی آرژانتینی و برابر با ۹۰ سنت آمریکا بود.

علیرغم تلاشهای فوق، مشکل تورم فزاینده همچنان به عنوان یک معضل لاینحل باقی ماند تا جاییکه دولت مجبوره کاهش شدید بودجه بخش خدمات گردید. همچنین بروز مشکلاتی چند در زمینه بازپرداخت بهره وامهای دریافتی بر طبق توافقهای قبلی این دولت با طلبکاران موجب شد تا رئیس جمهور این کشور در ماه مه ۱۹۸۸ طی یک سخنرانی در نیویورک از اعتبار دهندگان تقاضا نماید تا نرخ بهره این وامها را طی یک فرمول سه ساله از ۸/۵٪ تا ۴٪ کاهش دهند. این برنامه مورد موافقت قرار نگرفت. لاینحل ماندن معضل تورم فزاینده و بالای آرژانتین که نرخ آن بعضاً تا هزار درصد هم می‌رسید و نیز عدم موافقت اعتباردهندگان با ایجاد تسهیلات بهتر در بازپرداخت بهره بدهیهای خارجی این کشور، نرخ

۱- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران - کتاب سبز - آرژانتین - اصغری احمد رضا ۱۳۷۴ -

برابری دلار با واحد پولی جدید را شدیداً تحت تأثیر قرارداد و موجب شد تا ارزش استرال از سال ۱۹۸۵ به بعد به میزان ۲۳ درصد کاهش یابد، بطوریکه در اواخر حکومت آلفونسین با توجه به کاهش شدید درآمدهای ارزی، هر دلار تا ۶۵۰ استرال معاوضه میگردید. در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی که شکست برنامه‌های دولت در زمینه کاهش هزینه‌های زندگی، تقلیل درآمدهای مالیاتی و فساد و سو استفاده مالی در ادارات دولتی را نیز باید به آن افزود، بخش دولتی با ۸/۵ میلیون دلار ضرر در روز مواجه گردید، تا جایی که حتی فرمانداران ایالتها برای پرداخت دستمزدها اقدام به نشر غیرقانونی و بدون پشتوانه اسکناس نمودند. در این حال امیدهای این کشور به موافقت صندوق بین‌المللی پولی مبنی بر دریافت یک وام ۲ میلیارد دلاری همچنین دریافت یک وام ۳ میلیارد دلاری جدید از بانک توسعه آمریکایی^۱ از بین رفت. حتی بانک جهانی نیز در اثر فشار آمریکا با اعطای یک اعتبار ۱/۲۵ میلیارد دلاری که قبلاً موافقت کرده بود، به هنگام پرداخت آن در تصمیم خود تجدید نظر نمود و آن را به حالت تعلیق درآورد. در نتیجه، بحران اقتصادی که دولت آلفونسین از همان آغاز کسب قدرت، حل آن را در سرلوحه اهداف خود قرار داده بود، به همان شدت و به مراتب بدتر از گذشته، تا اواخر حکومت وی لاینحل باقی ماند. هجوم مردم به سوپرمارکتها و غارت اجناس آنها در این زمان حکایت از عمق وخامت بحران داشت تا بدانجا که آلفونسین را مجبور نمود که در آخرین نطق خود در کنگره این کشور اعتراف نماید که دولت وی عملاً در حل بحران اقتصادی کشور شکست خورده است.

رئیس جمهور «کارلوس منم» نیز از همان آغاز به قدرت رسیدن خود برای مقابله با بحران اقتصادی موجود، طرحی را تحت عنوان «انقلاب تولیدی»^۲ در نوامبر ۱۹۸۹ ارائه نمود که با توجه به تغییر و تحولات بنیادینی که در ساختار اقتصادی کشور بوجود می‌آورد، سرآغاز نوینی در سیستم اقتصادی این کشور به شمار میرفت. براساس این طرح یک برنامه اقتصادی سه ساله با استفاده از راهنمائیها و خط‌مشی‌های بانک جهانی وسایر موسسات مالی بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول به مرحله اجرا در می‌آمد که اصلی‌ترین محور آن بر روند خصوصی سازی و واگذاری شرکتهای دولتی به بخشهای خصوصی داخل و خارج از

1. Inter – American Development Bank
2. Productivita Revolucion

کشور استوار بود و در کنار آن از کمکها و مساعدتهای موسسات مالی بین المللی نیز به عنوان پشتوانه و اعتبار لازم برای این طرح استفاده میشد. به همین جهت و با توجه به حاد بودن مسئله بدهیهای خارجی که مانع دریافت اعتبارات جدید برای اجرای این طرح بود، سرانجام پس از مذاکرات طولانی با طلبکاران جهت استمهال بدهیها در جولای ۱۹۹۰ میلادی پس از ۲۶ ماه تعویق در بازپرداخت بدهیهای خارجی مقرر شد که آرژانتین ماهیانه مبلغ ۴۰ میلیون دلار جهت استهلاک بدهیهای گذشته خود پرداخت نماید. در نتیجه راه برای اخذ اعتبارات جدید لازم جهت انجام جریان خصوصی سازی هموار گشت و این کشور ضمن دریافت اعتبارات متعدد از موسسات مالی بین المللی چون بانک توسعه آمریکایی (۵۸۵ میلیون دلار)، بانک جهانی (۳۰۰ میلیون دلار)، اگزیم بانک ژاپن^۱ (۶۵۰ میلیون دلار)، آژانس توسعه بین المللی (۵۰ میلیون دلار) و ... در فواصل زمانی مختلف، پروژههای خصوصی سازی را در تمامی سطوح آن از کوچکترین سازمانها و نهادهای دولتی گرفته تا بزرگترین آنها چون آب، برق، تلفن، راه آهن، هواپیمایی، نفت، گاز و حتی انرژی اتمی دنبال نمود. در آمد حاصل از واگذاری این داراییها به سرمایه داران داخلی و خارجی به همراه کمکها و اعتبارات اعطایی از جانب موسسات مالی فوق توانست «ثبات اقتصادی» را بطور نسبی بر این کشور حاکم ساخته و نرخ تورم را با شدتی کمتر از گذشته کنترل نماید که دستاورد و وجه امتیاز بزرگی برای این دولت نسبت به دولتهای قبلی به شمار می آمد.

در نتیجه این تثبیت نسبی اقتصاد، دولت باردیگر بازگشت یزو به عنوان واحد پول ملی رایج کشور به جای استرال را که از ارزشی معادل با دلار برخوردار بود، اعلام نمود و متعاقباً با بازپرداخت ۷ میلیارد دلار از بدهیهای خارجی در اکتبر سال ۱۹۹۱ میلادی، سرعت بازپرداخت بدهیهای خود را از ماهیانه ۴۰ میلیون دلار به ۶۵ میلیون دلار و سپس ۱۰۰ میلیون دلار افزایش داد. با توجه به اینکه تا این زمان وجود برخی قوانین و مقررات دست و پاگیر و زائد بجای مانده از سیستم متمرکز قبلی از جمله موانع اصلی آزادسازی کامل اقتصاد در جلب سرمایه های خارجی و بویژه صادرات و واردات این کشور به شمار میرفت، دولت در ماههای نخست سال ۱۹۹۲ در یک اقدام کاملاً بی سابقه و شگفت انگیز، بدون مشورت با

پارلمان طرح جدیدی را تحت عنوان «مقررات زدایی» اعلان داشت که به لغو کلیه مقررات و قوانین بازرگانی در زمینه نظارت دولت بر صادرات و واردات و انحلال سازمانها و ارگانهای ذیربط که در طول سالیان متمادی وضع و یا بنا نهاده شده بودند، می‌انجامید. مذاکرات مربوط به ورود آرژانتین در طرح «برادی»^۱ نیز هرچند که از همان ابتدای اعلام طرح سه ساله در گفتگوهای دولت با مقامات بانک جهانی صندوق بین‌المللی پول مطرح و مشروط به چگونگی پیشرفت آرژانتین در فرایند اقتصادی جدید شده بود، در این هنگام بیش از هر زمان دیگر در نتیجه سفرهای متوالی مقامات موسسات مذکور و متعاقب آمادگی آرژانتین برای پرداخت بدهی ۸ میلیارد دلاری معوقه خود به کلوپ پاریس از زمان آلفونسین، جنبه عینی بخود گرفت تا اینکه سرانجام در ماه دسامبر سال ۱۹۹۲ رسماً اعلام شد که آرژانتین میتواند از مزایای طرح برادی استفاده نماید.

علیرغم وجوه مثبتی که طرح اقتصادی سه ساله دولت کارلوس منم در زمینه جذب سرمایه‌ها و اعتبارات خارجی و ثبات نسبی اقتصاد به همراه داشت، لیکن برخی عوارض منفی ناشی از اجرای این طرح، ارزیابی کاملاً مثبتی را از بهبود وضعیت اقتصادی در پایان سال ۱۹۹۲ میلادی به عنوان سال پایانی این طرح و اتمام جریان خصوصی سازی نمیداد. به عنوان مثال هرچند که در پایان سال ۱۹۹۲ رئیس جمهور آرژانتین رشد اقتصادی به میزان ۹ تا ۱۰ درصد را که بعد از شیلی بالاترین نرخ رشد در بین کشورهای منطقه به شمار میرفت، ادعا نمود و وزارت اقتصاد این کشور نیز جمع عایدی دولت از خصوصی سازی را به صورت نقدی و اوراق قرضه در این سال ۱۶/۵ میلیارد دلار ذکر نمود، اما در همین زمان برای اولین بار در تاریخ روابط بازرگانی آرژانتین صحبت از منفی بودن تراز تجاری این کشور به میزان ۱/۵ میلیارد دلار در مقایسه با سال ۱۹۹۰ گردید. بعد از این دوران، علاوه بر کاهش شدید تراز تجاری که عمدتاً ناشی از عدم امکان رقابت تولیدات داخلی این کشور در نتیجه هزینه‌های بالای تولید بوده است، مشکلات دیگری چون کاهش شدید ذخایر ارزی این کشور،

۱- در ماه مارس سال ۱۹۸۹، توسط وزیر خزانهداری آمریکا Nicholas F. Brady، استراتژی جدیدی برای به تعویق انداختن بدهیهای خارجی کشورهای در حال توسعه طراحی گردید که این استراتژی به نام طرح برادی معروف است.

طولانی شدن فرایند خصوصی سازی، نرخ تورم بالا و... از جمله عوامل منفی موثر در برنامه‌های اقتصادی دولت بوده است.

۲- بحرانهای اخیر در آرژانتین

۲-۱- ضعف در سیاستگذاری اقتصادی

گرفتاریهای مالی آرژانتین محصول چندین دهه بی‌کفایتی و بی‌سیاستی در زمینه‌های حکومتی، اقتصادی و پولی است. وضعیت بحرانی آرژانتین نماد عینی کشوری است که در آن بی‌سیاستی، با فقد یا فرسایش خودآگاهی دولتمردان ممزوج شده است. اگر در یک کشور این امتزاج بوجود نیامده باشد آنگاه میتوان تصور کرد که وجود لایه‌های عایق مانع از تسری و تعمیم بی‌سیاستی از لایه‌های حکومتی به لایه‌های اقتصادی و از آن به لایه‌های پولی و بانکی شود. لایه‌های عایق میتوانند با حفظ استقلال نسبی، مانع از تسری بی‌سیاستی به لایه‌های پایینی گردیده و ضامن سلامت کارکردی و مالی سطوح پایین‌تر تشکیلات حکومتی باشند، مشروط بر آنکه با افزایش خودآگاهی مسئولین و تصمیم‌گیران، حوزه‌های پایینی از تعریض و تعرض مصون باشند. آرژانتین نمونه منحصر بفرد از چنین کشوری در عرصه اقتصاد نیست، نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند که بی‌سیاستی و فساد در کلیه سطوح تصمیم‌گیری آن رسوخ کرده است، با این تفاوت که قدرت نفوذ کمتر بعلت دور بودن از محافل قدرت جهانی و به تبع آن آنگاه کمتر به وامهای خارجی^۱، توجه محافل مالی به ریسک مالی در این کشور بیشتر و لذا بدهی خارجی آن کمتر است.

کشور آرژانتین اخیرا با بحرانهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شدیدی مواجه شده است، بطوریکه آشوبهای اخیر در این کشور منجر به سقوط پنج دولت طی ۱۱ روز شد. اساسا ریشه‌های اصلی وقوع بحران در این کشور به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد. در سال ۱۹۸۲ میلادی پس از سقوط دولت نظامی بعد از جنگ بانگلستان (جنگ مالویناس)، این کشور با مشکلات اقتصادی عظیمی مواجه شد و پول ملی این کشور بطور بیسابقه‌ای سقوط نمود، به این ترتیب دولت جدید نیز دو بار اقدام به تغییر پول ملی نمود. طی سالهای پایانی دهه

1. Leverage

۱۹۸۰ و سال ۱۹۹۰ میلادی نرخ تورم در این کشور بالغ بر هزار درصد شد، بطوریکه فروشندگان هرچند دقیقه‌به‌دقیقه تغییر قیمت‌های خود اقدام مینمودند. بروز چنین وضعیتی مشکلات و بحرانهای اجتماعی عظیمی را بوجود آورد. در سال ۱۹۹۱ وزیر امور اقتصاد و دارایی وقت آرژانتین، دومینگو کاوالو، سیستم هیات پولی^۱ را بعنوان شیوه‌ای جهت حفظ ثبات اقتصادی معرفی نمود. در این شیوه وظایف بانک مرکزی در دو بخش ناشراسکناس^۲ و بخش عملیات بانکی و نظارتی^۳ از یکدیگر مجزا میشوند. در این سیستم پول ملی در برابر پستوانه ارز، طلا و یا اوراق بهادار قرار داده میشود. لذا انتشار بیشتر پول ملی فقط در شرایط وجود پستوانه ارز معتبر خارجی میسر میباشد. آنچه در خصوص شیوه بکار گرفته شده در آرژانتین قابل توجه است، برقراری ارتباط یک به یک میان پول ملی آرژانتین (پزو) و دلار آمریکا میباشد که در این سال پول ملی این کشور بطور کامل به دلار تثبیت^۴ گردید.

با ایجاد سیستم هیات پولی در سال ۱۹۹۱، نرخ بهره سپرده‌های بانکی در کشور آرژانتین، تدریجاً به سوی سطوح بین‌المللی نزدیک شد، تا جایی که این سطح همگرایی در جهان بی سابقه بود و حتی بالاتر از سطح کشورهای OECD قرار داشت. این امر تاثیر قابل توجهی بر اشتغال و رقابت صنایع داخلی با خارج بر جای گذاشت، بطوریکه اکثر کارخانه‌ها و موسسات بطور مداوم از بانکهای داخلی برای تامین مالی خود استفاده مینمودند. در ابتدا این طرح موفقیت‌آمیز بود و با اجرای آن تورم در این کشور پس از سالیان طولانی به عدد یک رقمی کاهش یافت و توانست به بحرانهای سیاسی و اجتماعی خاتمه دهد. از سوی دیگر، اجرای برنامه خصوصی سازی با هدف کاهش بار مالی دولت نیز مدنظر دولت قرار گرفت. در این راستا بسیاری از تاسیسات و واحدهای دولتی بزرگ از جمله مخابرات، راه آهن، نفت، برق، گاز و... به بخش خصوصی داخلی و خارجی واگذار شد و درآمدهای عظیمی را برای دولت فراهم نمود. نتیجه اجرای سیاست خصوصی سازی در آرژانتین که دولت از آن صرفاً بعنوان یک ابزار جهت کسب درآمد استفاده نمود، نه تنها

1. Currency Board

2. Issuing Department

3. Banking Operation Department

4. Peg System

موجبات افزایش رقابت و کارایی در اقتصاد و ایجاد اشتغال را فراهم نیاورد، بلکه منافع حاصل از آن کاملاً نتیجه معکوس داشت. بطوریکه در حال حاضر علت اصلی وجود بیکاری در این کشور، اجرای غلط و نادرست سیاست خصوصی سازی عنوان میشود. شایان ذکر است^۱ که در حال حاضر نرخ بیکاری در آرژانتین ۱۸/۳ درصد است که در مقایسه با کشورهای منطقه نرخ بسیار بالایی است. در حال حاضر دولت این کشور با ۱۳۲ میلیارد دلار بدهی خارجی و ۵۰ میلیارد دلار بدهی عمومی به موسسات و شرکتهای داخلی مواجه است. لازم به ذکر است که وجود منابع غنی طبیعی و انسانی و موقعیت جغرافیایی در آرژانتین موجب گردید که سیاستمداران این کشور تاکید بسزایی به رشد اقتصادی داشته باشند و جهت گیری اصلی را رشد اقتصادی بالاقرار بدهند. تاکید بر رشد بدون در نظر داشتن نحوه توزیع منافع حاصل از رشد از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، موجب گردید که ۸۰ درصد از درآمد و تولید ناخالص داخلی این کشور نصیب گروههای مرفه دو دهک بالا شود، لذا توزیع ناعادلانه ثروت موجب بروز فقر گسترده در این کشور گردید و زمینه های بحران اجتماعی، غلبه روحیه یاس و ناامیدی به مردم را فراهم نمود (۴۰ تا ۵۰ درصد مردم آرژانتین در فقر گسترده بسر میبرند). فساد مالی در میان دولتمردان این کشور که از دوران کارلوس منم تشدید شده بود ابعاد بسیار وسیعتری یافت.

۲-۲- تحولات آسیای جنوب شرقی و رکود اخیر جهانی

تحولات سالهای اخیر آسیای جنوب شرقی که پس از بحران سالهای ۹۸-۱۹۹۷ میلادی رخ داده است، آثار سرریزی خود را در حوزه های نظیر روسیه، برزیل، ترکیه و اخیراً آرژانتین نشان داده است. کشورهای آسیای جنوب شرقی پس از بحران سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ میلادی سیاستهایی را به مرحله اجرا گذارده اند که خیزش جدیدی را در اقتصاد جهانی ایجاد نموده و رقابت پذیری کشورهای با اقتصاد نوظهور^۲ را تحت تاثیر قرار داده است. بحران آسیای جنوب شرقی و پیامدهای سیاستهای متخذ توسط کشورهای آن منطقه، بصورت مرحله ای

۱ - مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره مطالعات و سازمانهای بین المللی، گزیده اخبار سیاسی روز به نقل از خبرگزاری رویتر اخبار روزهای مختلف آذر ماه و دی ماه ۱۳۸۰.

در سایر کشورها شوکهای سنگینی را ایجاد نمود. در مرحله نخست سرایت این بحران و سیاستها در کشور روسیه بدلیل درجه خودکفایی اقتصادی نسبتا بالای کشور مزبور، تبادلات مالی ضعیف با دنیای خارج و در نهایت سیاست انقطاع پرداخت بدهیها^۱ نسبتا کنترل گردید. در سرایت بحران مزبور به اقتصاد برزیل، دولتمردان کشور مزبور با هوشیاری وافر، تثبیت پول ملی (رآل) به دلار را رها نموده و کشور خود را از بحران مزبور مصون ساختند. در اقتصاد کشور ترکیه بعلت استراتژی خروج طبیعی که دولتمردان این کشور از سالها پیش در اقتصاد تعبیه نموده‌اند (برابری شناور پول ملی و سیاست پولی بی‌لنگر یا معطوف به تحکیم‌ذخایر)، هرگونه شوک اقتصادی بطور خودبخودی در اقتصاد تخلیه میشود. کشور آرژانتین با بدهی خارجی سنگین، تثبیت پول ملی به دلار و فرسایش عظیم رقابت‌پذیری بطور طبیعی نمیتوانست در مقابل این شوک عظیم دوام داشته باشد. خصوصا در شرایطی که پس‌لرزه‌های بحران آسیای جنوب شرقی در ماههای اخیر باروند رکودی اقتصاد جهانی مضاعف گردید و کشور آرژانتین را با بحران عمیقی مواجه ساخت.

آرژانتین در حال حاضر چهارمین سال پی‌درپی رکود را پشت سر میگذارد، بطوریکه آغاز این رکود رامیتوان با بحرانهای مالی ایجاد شده در بازارهای نوظهور جهان از جمله بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، بحران روسیه در سال ۱۹۹۸ و بحران برزیل در سال ۱۹۹۹، مرتبط دانست. همچنین تضعیف ارزش پول ملی بوسیله همسایگان آرژانتین و شرکتهای تجاری بزرگ آن، باعث شد که این کشور بطور فزاینده‌ای قدرت رقابتی خود را از دست بدهد و این امر زمینه عمیق‌تر شدن رکود را فراهم نماید.

حوادث ۱۱ سپتامبر آمریکا نیز موجبات تشدید شرایط اقتصادی در منطقه و بویژه در کشور آرژانتین شدبطوری که چشم‌انداز ریسک در بازار مالی و فرار از داراییهای با کیفیت پایین را افزایش داد. مرکز ثقل آسیب‌پذیری این کشور، لزوم تامین مالی بدهیهای خارجی این کشور است که در ارتباط نزدیک با آینده کسریهای ایجاد شده و بدهیهای بخش دولتی قرار دارد. سهم بیشتر بدهیها ماهیت خارجی و عمدتا کوتاه مدت‌داشته و سقوط ارزش پول ملی و نرخهای بالای بهره همراه با کاهش رشد اقتصادی فشارهای مضاعفی را بر وضعیت

مالی دولت ایجاد نموده است. در این شرایط تثبیت کننده‌های خودکار^۱ جهت جلب اعتماد عمومی کارایی نداشته و اتخاذ سیاستهای انقباضی مالی به منظور جلوگیری از اثرات افزایش بدهیها غیرقابل اجتناب است. در همین حال با سقوط ارزش پول ملی دورنما برای انبساط پولی محدود شده است که این امر به نوبه خود باعث فشار بر فعالیتها و بدتر شدن وضعیت بیکاری در کشور خواهد شد. بعد از بحران نوامبر ۲۰۰۰ وضعیت اقتصادی در آرژانتین بطور موقت بهبود یافت. اما اوضاع و احوال یکبار دیگر در مارس ۲۰۰۱ سریعا به دلیل تضعیف بیشتر وضعیت مالی، بحران سیاسی و افزایش تامین مالی بدهیهای خارجی همراه با افزایش شدید در تفاوت نرخهای بهره که وضعیت اقتصادی کشورهای همسایه را نیز متأثر کرد، به وخامت گرائید. وخیم‌تر شدن وضعیت در منطقه و بویژه تضعیف رئال برزیل وضعیت آرژانتین را به نحو مطلوب تحت تاثیر قرارداد.

در مقابله با این امر برنامه مقامات آرژانتین تقویت بیشتر سیاستهای درآمدی و هزینه‌ای جهت برگرداندن وضعیت مالی دولت به حال تعادل همراه با یک سری اقدامات در جهت افزایش بهره‌وری و ایجاد شرایط رقابتی (از طریق سوآپ بدهیها به میزان ۲۹/۵ میلیارد دلار به منظور کاهش نیازهای مالی طی سال ۵-۲۰۰۱) و در اواخر ژوئن فرم مالیاتی شامل اتخاذ سیاستهای بازرگانی که منجر به تضعیف موثرتر و ملایم‌تر پزو در تجارت کالاهای غیر انرژی و متصل کردن ارزش پول ملی به تجارت کالاهای غیرانرژی و سبدي از دلار آمریکا و یورو بود. از ماه آوریل همراه با بهبود فضای عمومی بازارهای بین المللی، برنامه مقامات منجر به کاهش در تفاوت نرخهای بهره تا اواسط ماه ژوئن شد.

در اوایل جولای با افزایش مشکلات در تامین منابع مالی، اعتماد عمومی به وضع اقتصادی بطور جدی تضعیف شد و در نتیجه فاصله نرخهای بهره بانکی^۱ افزایش یافت و حجم عظیمی از سپرده‌ها از سیستم بانکی خارج شد و بورس اوراق بهادار سقوط کرد. در مقابل مقامات از طریق تصویب «قانون کسری بودجه صفر» توسط کنگره آرژانتین در ۲۹ ژوئیه تعهد خود را نسبت به تثبیت بیشتر وضعیت مالی و اطمینان به تداوم آن در میان مدت اعلام نمودند. انجام اصلاحات در زمینه سهام شدن در درآمد استانها و اتخاذ تصمیمات جهت

1. Automatic Stabilizers

1. Spread

تقویت مدیریت مالیاتی کشور و بانکهای دولتی از جمله اقدامات صورت پذیرفته طی ماههای مذکور میباشد. خاطرنشان میسازد که برنامه‌های فوق در راستای توافقیهای به عمل آمده با صندوق بین المللی با هدف حرکت در جهت مکانیزم بازار و بصورت داوطلبانه از سوی کشور آرژانتین بمرحله اجرا گذارده شد. علیرغم بهبود عملکرد وضعیت اقتصادی کشور و افزایش حجم سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانکها، اجرای کامل تصمیمات ارائه شده توسط مقامات به دلیل ضعف اعتماد عمومی امکان پذیر نگردید و بحران موجود در این کشور به وضعیت اقتصادی سایر کشورهای منطقه از جمله برزیل و اوروگوئه نیز سرایت نمود.

۲-۳- بدهیهای سنگین خارجی

آرژانتین از جمله کشورهایی است که از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی حجم عظیمی بدهیهای خارجی داشته است.^۱ علاوه بر آن از جمله کشورهایی بوده‌است که در مقاطع مختلف زمانی در طرحهای اصلاح ساختار بدهیهای خارجی مشمول طرحهای اصلاح بلندمدت (نظیر برادی و زالکر) شده است. طرحهای خزانهداری آمریکا اگرچه کشورهای بدهکار را مشمول اصلاح ساختار زمانبندی بدهیها بصورت بلندمدت مینماید، اما پس از یک، دو یا حداکثر سه دهه بدهیهای موردنظر سررسید خواهند شد و به‌این ترتیب با ممزوج شدن فشار این بازپرداختها با بازپرداخت بدهیهای جدید دوران مشمول تنفس، کشورها شدیداً تحت تأثیر بدهیهای خارجی و آسیب‌پذیری بالا قرار میگیرند. نگاهی به تحول بدهیهای خارجی آرژانتین نشان میدهد که این بدهیها از دهه‌های گذشته با بهره ترکیبی و اصلاح ساختار آنها، به دهه‌های اخیر منتقل شده‌است.

۲-۴- عدم انعطاف در سیاستهای اقتصادی و مالی

عرصه اقتصاد و مبادلات مالی در کشور آرژانتین طی دهه اخیر عرصه بی‌سیاستی و بدون انعطافی بوده‌است. ویژگیهای اقتصاد کشور مزبور را میتوان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- ۱- فقد انضباط مالی خصوصاً در رابطه مالی دولت با ایالتها (استانها) آرژانتین دارای نوعی عدم تمرکز سیاسی است بدون آنکه طرح با دوام و مورد توافقی برای عدم تمرکز مالی در آن تدوین شده باشد (اگرچه برنامه‌های مشارکت در آمد^۲ وجود داشته است).

1. Debt hangover
2. Revenue sharing

۲- بی‌برنامه‌گی در انجام هزینه‌های دولت و خصوصاً بی‌توجهی به بازده اقتصادی در تخصیص منابع مالی دولت .

۳- فساد عمیق در خصوصی سازی و به تبع آن ایجاد بخش خصوصی با مرکزیت منافع اقتصادی خارج از عرصه اقتصاد ملی و عدم ایجاد بخش خصوصی کارآ با ارتباطات قوی اقتصاد ملی .

۴- در عرصه سیاست‌های پولی، ویژگی‌های عمده اقتصاد آرژانتین بقرار زیر بوده‌است :

۴-۱- برقراری هیات پولی که در متن آن ارتباط یک به یک یا متناظر بین پول ملی و ارز پشتوانه وجود دارد .

۴-۲- تثبیت یک به یک پزو با دلار آمریکا .

۴-۳- انتخاب دلار آمریکا (در کنار پول ملی) بعنوان وسیله پرداخت پول قانونی^۱.

عنصر ۲-۴ اگرچه طی یکدوره مشخص و بصورت غیرماهوی میتواند جهت بازسازی اعتماد و اصلاح عدم اعتماد عمومی به دولتمردان مفید واقع شود، اما یقیناً بلحاظ ایجاد آسیب و فرسایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، مخرب و منفی ارزیابی میشود. عنصر ۳-۴ در سیاست‌های پولی آرژانتین در واقع عطیه‌ای بوده‌است به سرمایه‌داران و شرکتهای فعال خارجی که عدم اعتمادشان غیرقابل ترمیم بوده‌است، تا هزینه و ریسک تبدیل و نگهداری پول ملی آرژانتین بر آنان تحمیل نشود .

به این ترتیب عنصر ۱-۴ میباید نظم پولی را در آرژانتین برقرار نماید، غافل از آنکه بانک مرکزی آرژانتین همانند سایر کشورها منشا بی انضباطی اقتصادی نبوده‌است که برقراری هیات پولی بتواند انضباط را به آن بازگرداند. طی دهه گذشته بانک مرکزی آرژانتین غیرفعال‌ترین دستگاه سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور مزبور بوده و کلیه استقراضهای خارجی توسط کنگره، دولت و وزارت اقتصاد و دارایی کشور مزبور تصویب و اجرا شده‌است.

علاوه بر موارد فوق، اقتصاد آرژانتین طی دو سال گذشته بلحاظ عدم اقدام در اصلاحات ساختاری و سرعت بیشتر اصلاحات در کشورهای منطقه مکزیک، برزیل و شیلی خصوصاً بلحاظ شناور کردن پولها و تعقیب سیاستهای اصطلاحاً فقیرسازی همسایگان^۲ در معرض

1. Legal Tender

2 . Begger the neighbor

آسیب قرار گرفت و توان رقابت آن دچار فرسایش گردید. به موارد فوق میتوان آسیبهای ناشی از قوت و استحکام دلار آمریکا را نیز اضافه نمود. بسا که اگر تثبیت پول آرژانتین به ارزهای دیگر یا سبدهی از ارزهای دیگر برقرار میشد، اقتصاد آرژانتین طی سالهای اخیر با این شدت و سرعت در معرض فرسایش قرار نمیگرفت.

۳- دوران پس از بحران جاری

آرژانتین یقیناً زمینه عینی و آزمایشگاه واقعی یک بحران عمیق و وسیع اقتصادی و اجتماعی است. این بحران ریشه در عدم اعتماد به سیاستها دارد که بصورت پلکانی و تدریجی به بحران کلان اقتصاد، بحران ترازپرداختها، بحران بدهیها، بحران بانکی، بحران پولی و در نهایت بحران نقدینگی تبدیل شده است. شاید در صورت وجود لایه‌های عایق سیاستی ضرورت و دلایل قوی وجود نداشته باشد و ندارد که یک بحران حکومتی یا عدم اعتماد تا سرمنزل نهایی در عرصه اقتصاد ملی تخلیه شود. بعبارت دیگر چنانچه در مقاطع ویژه‌ای قبل از عمده شدن و سرعت گرفتن بحران یک استراتژی دقیق خروج طراحی میگردید، امکان رهایی کشور از این مصیبت وجود میداشت.

اما بنظر میرسد بهمان میزان که عدم انعطاف در سیاستها میتواند مسئول بروز چنین بحرانی باشد، بهمان میزان نیز سرسختی کشورهای طلبکار نیز در این تحولات سهمیم بوده است. نمیتوان سرسختی سیاستمداران آرژانتین در خروج از نظام تثبیت ارز را یک سیاست سراسر تهی از تفکر تلقی و ارزیابی نمود. بنظر میرسد که کلیه جناحهای سیاسی آرژانتین در کشور باین تفاهم رسیده‌اند که میباید عصر جدیدی در روابط سیاسی و اقتصادی و مالی این کشور آغاز کنند که وجه مشخصه آن رهایی مطلق کشور و اقتصاد از قید بدهیهای سنگین خارجی است. این تحلیل با توجه به آثار و نشانه‌های ورشکستگی دولت^۲ غیرواقع‌بینانه نیست. به این ترتیب باید انتظار داشت که پس از انتخابات مجدد و تشکیل دولت جدید نشست طلبکاران عمده آرژانتین جهت تصفیه بدهیهای خارجی این کشور با اتکا به داراییهای خارجی کشور در مقطع ورشکستگی و نه فقط تجدید ساختار بدهیها و اتکا

به درآمدهای آتی تشکیل شود. توزیع داراییهای خارجی آرژانتین بین کشورهای عمده بستانکار و تناسب آن با بدهیهای خارجی کشور مزبور به آحاد کشورهای بستانکار، از عوامل عمده تصمیم‌گیری هیات تصفیه است. تصمیم نهایی هیات تصفیه و توافق کشورهای عمده صنعتی در این زمینه، اولین تجربه نظام مالی جهانی در انتقال به ترتیبات جدید خواهد بود. یقیناً این ترتیبات با افزایش هزینه‌های تجهیز منابع از بازارهای مالی جهانی، برقراری هزینه‌های جدید تامین مالی در مبادلات مالی بین کشورها، و یکپارچه‌شدن بیشتر روابط مالی و تجاری کشورها، خصوصاً در حوزه‌های منطقه‌ای در بستر و در راستای جهانی شدن روابط مالی و اقتصادی همراه خواهد بود.

آنچه که در این زمینه برای کشورهای نظیر ایران اهمیت دارد آن است که این احتمال وجود دارد که موسسات مالی و بانکهای سرمایه‌گذاری که در آرژانتین دارای بالایی^۱ داشته‌اند در این ترتیبات دچار ورشکستگی و سقوط مالی شوند. بنابراین می‌باید از پیش منتظر اثر زنجیره‌ای ورشکستگی و سقوط موسسات مالی و بانکهای بود که سرمایه‌های سنگین در کشورهای نظیر آرژانتین داشته‌اند. کشورهای که در اینگونه موسسات دارای و سپرده نگهداری میکنند، می‌باید توجه بیشتری به ریسکهای اعتباری و پورتفوی بانکهای طرف خود داشته باشد.

شاخصهای کلیدی اصلی در آرژانتین طی سالهای ۲۰۰۳^۲ - ۱۹۶۶ میلادی

2003 ^۲	۲۰۰۲ ^۲	2001 ^۲	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	
۳.۷	۲.۰	-۱.۳	-۰.۵	-۳.۴	۲.۹	۸.۱	۵.۵	رشد GDP (درصد)
۰.۲	۱.۲	-۲.۱	-۰.۷	-۱.۸	۰.۰	۰.۳	۰.۴	نرخ تورم (درصد)
۱۱.۰	۱۵.۰	۱۷.۰	۸.۴	۸.۰	۷.۶	۷.۰	۷.۴	نرخ بهره (سپرده های مدت دار - به پزو)
۰.۰	۰.۸	-۳.۱	-۲.۳	-۳.۲	۱.۵	-۲.۱	-۱.۸	موازنه مالی (درصدی از GDP)
۱.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	نرخ ارز (ARS/USD)
۳.۷	۳.۲	۳.۴	۱.۱	-۲.۲	-۵.۱	-۱.۴	۱.۶	تراز تجاری (میلیارد دلار آمریکا)
۲۱.۱	۲۸.۸	۲۶.۹	۲۶.۳	۲۳.۳	۲۶.۴	۲۶.۴	۲۳.۸	صادرات (میلیارد دلار آمریکا)
۲۷.۳	۲۵.۵	۲۳.۴	۲۵.۲	۲۵.۵	۳۱.۴	۳۰.۵۴	۲۲.۲	واردات (میلیارد دلار آمریکا)
-۱۲.۵	-۱۰.۴	-۸.۶	-۹.۴	-۱۲.۳	-۱۴.۶	-۱۲.۰	-۶.۵	حساب جاری (درصدی از GDP)
-۴.۳	-۳.۸	-۳.۲	-۳.۴	-۶.۴	-۵.۱	-۴.۳	-۲.۵	بدهیهای خارجی (میلیارد دلار آمریکا)
۱۶۰.۸	۱۵۳.۶	۱۴۶.۵	۱۴۷.۱	۱۴۶.۰	۱۴۱.۹	۱۲۴.۸	۱۰۹.۸	بدهیهای خارجی (درصدی از GDP)
۴۵۴.۶	۴۶۰.۱	۴۳۸.۸	۴۷۷.۲	۵۲۶.۲	۴۵۶.۶	۴۰۴.۳	۳۸۹.۲	بدهیهای خارجی (درصدی از صادرات)
۸۴.۸	۸۸.۱	۹۲.۱	۹۴.۱	۸۹.۶	۶۴.۳	۵۱.۱	۴۹	نسبت بازپرداخت بدهیها به صادرات (درصد)

* آمار سالهای ۲۰۰۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ پیش بینی می باشد.

** ماخذ: BNP PARIBAS اکتبر ۲۰۰۱.

۴- ملاحظاتی چند در خصوص جلوگیری از بحران

۴-۱- تصویر اقتصاد آرژانتین در سال ۲۰۰۱ و علایم موجود در خصوص وقوع بحران

بانگاهی به تصویر اقتصاد کشور آرژانتین و ویژگیهای آن در سال ۲۰۰۱ میلادی، علایمی قابل رویت میباشد که به نوبه خود حکایت از وقوع بحران اقتصادی در یک چشم انداز نزدیک میباشد که یحتمل اگر برنامه ریزان و سیاستمداران این کشور درایت کافی در برنامه ریزیهای اقتصادی بکار میگیرند بطور قطع یا بحران اخیر اتفاق نمی افتد و یا از شدت آن به میزان زیادی کاسته میشود.

۴-۱-۱- بخش واقعی اقتصاد آرژانتین در سال ۲۰۰۱

در سال ۲۰۰۱ برای چهارمین سال پیاپی رکود اقتصادی ادامه یافت. بطوریکه تولید ناخالص داخلی این کشور از ۲/۱ درصد کاهش طی سه ماهه اول سال و ۵/۰ درصد کاهش

طی سه ماهه دوم سال ۲۰۰۱ در مقایسه بامدت مشابه سال ماقبل آن برخوردار گشت. از مهمترین علل تعمیق رکود در این کشور می توان به کاهش تولیدات صنعتی به میزان ۲/۸ درصد در نه ماهه سال نسبت به سال قبل، کاهش اعتماد مصرف کنندگان و کاهش شدید اعتبارات اعطایی، اشاره نمود. اصولاً سطح بالای نرخهای بهره و تردیدهای موجود در سطح اقتصاد از عمده ترین عوامل کاهش سطح سرمایه گذاریها در آرژانتین محسوب میشود. بطوریکه روند نزولی سرمایه گذاری ثابت ناخالص داخلی^۱ که از سال ۱۹۹۸ میلادی آغاز گشته بود، همچنان ادامه یافت و طی سه ماهه اول و دوم سال ۲۰۰۱ نیز بترتیب با ۹/۳ درصد و ۶/۳ درصد کاهش مواجه شد. بویژه آنکه این روند نزولی را میتوان در کاهش ۰/۷ درصدی سرمایه گذاری در ساختمان و ۱۴/۵ درصدی سرمایه گذاری در ماشین آلات و تجهیزات مشاهده نمود.

مصرف بخش دولتی طی نیمه اول سال ۲۰۰۱ از ۰/۵ درصد رشد نسبت به سال ماقبل آن برخوردار بود، درحالیکه افزایش بیکاری و کاهش اعتماد مصرف کنندگان در این کشور به نوبه خود موجب کاهش ۲/۱ درصدی مصرف بخش خصوصی در سال ۲۰۰۱ گردید. از سوی دیگر طی نیمه اول سال ۲۰۰۱، تقاضای داخلی به روند نزولی خود ادامه داد و از ۲/۸ درصد کاهش نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۰۰ میلادی برخوردار شد. کاهش تقاضای داخلی طی سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ میلادی (بترتیب ۴/۷ درصد و ۰/۸ درصد) نشان دهنده کاهش سطح سرمایه گذاری و مصرف بخش خصوصی میباشد.

۲-۱-۴- سطح عمومی قیمتها و وضعیت بازار در سال ۲۰۰۱

کاهش شدید تقاضای داخلی یکی از ویژگیهای عمده اقتصاد آرژانتین طی سالهای اخیر بوده است که به نوبه خود منجر به کاهش سطح عمومی قیمتها گردید. تا پایان ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱ شاخص قیمتهای خرده فروشی از ۱/۱ درصد کاهش برخوردار شد (در مقایسه با ۰/۷ درصد کاهش در مدت مشابه سال ۲۰۰۰ میلادی و ۱/۸ درصد کاهش در سال ۱۹۹۹). شاخص بهای عمده فروشی کالاها نیز به علت کاهش قیمت کالاهای اساسی و کالاهای وارداتی از ۴/۱ درصد کاهش تا پایان ماه سپتامبر برخوردار شد (در مقایسه بامدت مشابه سال قبل).

براساس بررسیهای انجام شده توسط برخی سازمانهای بین‌المللی، نرخ بیکاری در کشور آرژانتین متأثر از اقتصاد رکودی این کشور تا ماه مه سال ۲۰۰۱، به سطح ۱۶/۴ درصد رسید. در واقع علت اصلی ضعف شدید بازار کار در کشور آرژانتین را میتوان وجود رکود مداوم و کاهش سطح سرمایه‌گذاریها، ذکر نمود. برخی بررسیهای دیگر نیز حکایت از آن دارد که نرخ بیکاری این کشور طی ماههای مه و آگوست، با ۲ واحد درصد افزایش به ۱۸ درصد بالغ شد.

۳-۱-۴- ترازپرداختها و وضعیت بدهیهای خارجی آرژانتین در سال ۲۰۰۱

یکی از مهمترین ویژگیهای اقتصاد آرژانتین بهبود وضعیت حساب جاری این کشور در سال ۲۰۰۱ میباشد. بطوریکه کسری حساب جاری که در نیمه اول سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۴/۷ میلیارد دلار بوده است در نیمه اول سال ۲۰۰۱ به ۴/۰ میلیارد دلار محدود گردید و طبق آمارهای مقدماتی در سال ۲۰۰۱ معادل ۷/۲ میلیارد دلار بوده است. از مهمترین علل بهبود حساب جاری طی سالهای اخیر میتوان به کاهش حجم واردات و افزایش حجم صادرات که کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مهمترین علت آن محسوب میشود، اشاره نمود. براساس آمارهای مقدماتی، طی هشت ماهه اول سال ۲۰۰۱، قیمتهای صادراتی ۳ درصد کاهش یافت درحالیکه حجم آن با ۷ درصد افزایش مواجه بود. از سوی دیگر واردات طی همین مدت با ۱۰ درصد کاهش حجم، از ۸ درصد کاهش ارزش برخوردار گردید. یکی از ویژگیهای مهم بخش صادرات آرژانتین در سال ۲۰۰۱، کاهش صادرات آن به اتحادیه اروپا به میزان ۲ درصد میباشد که علت اصلی آن تقویت پزو در برابر یورو عنوان میگردد.

در واقع کاهش تقاضای داخلی را میتوان مهمترین علت پائین آمدن حجم واردات و افزایش حجم صادرات، محسوب نمود که در نتیجه این امر در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ میلادی سود زیادی از رابطه مبادله قوی و در نتیجه مازاد تجاری، در اقتصاد آرژانتین حاصل گردید.

درخصوص شیوه تامین مالی کسری حساب جاری آرژانتین در سال ۲۰۰۰ میلادی، قابل ذکر است که سرمایه‌گذاری در سهام و استقراض از سایر اعتباردهندگان منابع اصلی تامین

مالی بوده است که در سال ۲۰۰۱ میلادی استقراض خالص چندجانبه^۱ نیز به آن اضافه گردید و طبق آمار مقدماتی استفاده از آن در سال ۲۰۰۱ حدود ۱۲/۲ میلیارد دلار بوده است. شایان ذکر است که رقم استفاده از این منبع در سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۱/۸ میلیارد دلار بود.

میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی انجام شده در آرژانتین در سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۱۰/۶ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۰۱ به ۴/۶ میلیارد دلار کاهش یافت. همچنین میزان خالص سرمایه گذاری در سهام^۲ در سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۷ میلیارد دلار بوده است (حدود ۷۸ درصد کسری حساب جاری) که براساس برآوردهای اولیه در سال ۲۰۰۱ به ۳/۹ میلیارد دلار کاهش یافته است (حدود ۵۴ درصد کسری حساب جاری). طبق برآوردهای اولیه، در سال ۲۰۰۱ بازپرداخت خالص توسط بانکهای تجاری آرژانتین (به استثنای وامهای تضمین شده رسمی و اعتبارات تجاری) معادل ۲/۹۸ میلیارد دلار می باشد. این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۰/۷ میلیارد دلار بوده است. از سوی دیگر خالص بازپرداخت توسط اعتباردهندگان خصوصی غیربانکی (غالباً اوراق قرضه) که در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۳/۴ میلیارد دلار کاهش یافته بود (در مقایسه با ۶/۷ میلیارد دلار سال ۱۹۹۹)، براساس آمارهای اولیه در سال ۲۰۰۱ از کاهش به مراتب شدیدتری برخوردار می باشد.

میزان ذخایر خارجی در کشور آرژانتین تا پایان ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ از ۲۱ میلیارد دلار در ابتدای سال به ۱۴ میلیارد دلار کاهش یافت، لیکن با استفاده از ۴/۶ میلیارد دلار تسهیلات صندوق بین المللی پول و ۱/۲ میلیارد دلار تسهیلات موافقت خرید مجدد^۳ از بانکهای خارجی، این میزان به ۱۹/۸ میلیارد دلار رسید. همچنین شایان ذکر می باشد که میزان بدهیهای خارجی آرژانتین تا پایان سال ۲۰۰۱ حدوداً ۱۳۶ میلیارد دلار بوده است که ادعان میشود حدود ۲۰/۶ میلیارد آن کوتاه مدت و مابقی آن میان مدت و بلند مدت باشد. از سوی دیگر، بعلت آنکاشدید به شیوه وام دهی رسمی و نقش اندک و کاهش یافته بازار سرمایه خصوصی طی سالهای اخیر، برآوردهای اولیه حکایت از آن دارد که بدهی به بانکهای

1. Multilateral Net Lending

2. Net Equity Investment

3. Repo

تجاری غیرمقیم در پایان سال ۲۰۰۱ به سطح ۱۸/۳ میلیارد دلار کاهش یابد) در مقایسه با ۲۱/۳ میلیارد دلار در سال ماقبل آن). بدهی به سایر اعتباردهندگان خصوصی نیز در سال مذکور معادل ۸۴/۴ میلیارد دلار میباشد که این رقم در سال ۲۰۰۰ حدوداً ۹۳/۴ میلیارد دلار بوده است. شایان ذکر است که براساس محاسبات مقدماتی انجام شده، در نیمه اول سال ۲۰۰۱، ارزش پزوی آرژانتین حدود ۹ درصد در مقابل پول رقبای تجاری اصلی خود تقویت گردید.

۴-۱-۴- بازارهای مالی

از نیمه دوم سال ۲۰۰۱، تضعیف بازارهای مالی و سهام کشور آرژانتین سرعت بیشتری به خود گرفت بطوریکه شاخص بازار سهام Merval که طی ماههای ژانویه تا سپتامبر (طی نه ماه) به میزان ۴۲ درصد سقوط نموده بود، از پایان ماه ژوئن تا اواخر ماه اکتبر (طی چهار ماه) حدود ۴۰ درصد کاهش یافت. بنابراین حاشیه ریسک کشوری در آرژانتین نیز به علت فقدان دسترسی بازار سرمایه به وامهای کوتاه مدت دولتی، شدیداً افزایش یافت.

با وجود اینکه دولت آرژانتین کسری بودجه صفر را هدف قرار داده بود، لیکن مخالفت‌های سیاسی منجر به بروز مشکلاتی در اجرای این طرح شد. با توجه به عدم تحقق درآمدهای دولت آرژانتین در سال ۲۰۰۱، دولت این کشور در جهت نیل به هدف کسری بودجه صفر شروع به انجام اقداماتی در زمینه کاهش هزینه‌ها نمود. اولین اقدام انجام شده در این زمینه کاهش حقوق و دستمزد کارمندان بود که خود با مخالفت‌های دید در دستگاه و سیستم تصمیم‌گیری کشور بویژه جناح غالب پرونیستها در مجلس سنا مواجه شد. از سوی دیگر شایان ذکر است که نیل به هدف فوق‌الذکر مستلزم رشد اقتصادی بالا بود که با توجه به ادامه وضعیت رکودی در کشور و کاهش سطح سرمایه‌گذارها، امکان آن وجود نداشت. از دیگر دلایل درخصوص عدم نیل به هدف مذکور میتوان به وقایع ۱۱ سپتامبر در کشور آمریکا و برنامه اعلام شده از سوی صندوق بین‌المللی پول در ماه آگوست سال ۲۰۰۱ اشاره نمود. بطوریکه در ماه آگوست سال ۲۰۰۱، پس از اعلام برنامه صندوق بین‌المللی پول فاصله بین نرخهای بهره بانکی در آرژانتین ۱۰۰ واحد درصد^۱ بود، اما ناگهان پس از وقایع

۱۱ سپتامبر در آمریکا و کاهش شدید درآمدهای دولت، این فاصله مجدداً به ۱۹۰۰ واحد درصد افزایش یافت. همچنین از نکات مهم قابل ذکر، تغییر ترکیب سپرده‌های بخش خصوصی از پزو به دلار سیباشد. در سال ۲۰۰۱ بعلت ریسک موجود در پزوی آرژانتین و اطمینان قاطع مردم از وضعیت خراب درآمدهای دولت، تا پایان سال ۲۰۰۱، بیش از ۷۰ درصد از مجموع سپرده‌گذارهای مردم بصورت دلار انجام شده‌است.

شایان توجه می‌باشد که در سال ۲۰۰۱ میلادی، سیاستهای پولی اعمال شده در راستای محدودیتهای موجود در چارچوب هیات پولی، همچنان بصورت سخت‌گیرانه‌ای در جهت تعدیل سطح نقدینگی ادامه داشت. بانک مرکزی آرژانتین از ماههای آغازین سال ۲۰۰۱ اقدام به کاهش الزامات نقدینگی نمود. بطوری که پس از اینکه حدود ۵ درصد از سپرده‌های مردم نزد بانکها کاهش یافت، بانک مرکزی این کشور نرخ ذخایر نقدینگی بانکها نزد بانک مرکزی را از ۲۰ درصد به ۱۸ درصد کاهش داد. در نیمه این سال مجدداً الزامات فوق‌الذکر تغییر نمود و عمدتاً در جهت برجای نهادن آثار انبساطی ملایم قرار گرفت. در واقع در این هنگام میزان سپرده‌ها نزد سیستم مالی بسرعت کاهش یافت و مجدداً میزان الزامات نقدینگی در جهت کاهش فشارهای موجود بر روی نرخهای وام بین بانکی، کاهش یافت.

۲-۴- راه‌حلهای پیشنهادی جهت اجتناب از وقوع بحران اقتصادی

همانگونه که عنوان گردید وضعیت اقتصاد آرژانتین طی سالهای اخیر بویژه در سالهای ۲۰۰۱ به وضوح نشان‌دهنده بروز یک بحران تمام عیار بوده است که در صورت جدی پنداشتن علائم توسط سیاستگذاران اقتصادی کشور و انجام اقدامات موثر، به احتمال قوی شدت بحران جاری کاهش می‌یافت. در حال حاضر یکی از مهمترین سوالات و مشکلاتی که در مورد اقتصاد آرژانتین وجود دارد، چگونگی مدیریت بدهیهای دولت بدون توسل به برخی از اشکال تجدید ساختار^۱ بدهی است. قابل ذکر است که تامین مالی حدود ۸۵ درصد از نیازهای استقراضی دولت تا پایان سال ۲۰۰۲ که حدود ۲۰ میلیارد دلار میباشد، در جهت نیل به هدف کسری بودجه صفر، از پیش تضمین شده است. بنابراین آنچه موجب بروز نگرانی در کشور آرژانتین شده است تامین مالی بدهیها از سال ۲۰۰۳ به بعد میباشد.

از سوی دیگر خالص بازپرداختیها به صندوق بین‌المللی پول^۱ که از سال ۲۰۰۳ آغاز میشود یکی از مهمترین مشکلاتی است که بر سر راه آرژانتین وجود دارد. در فاصله سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۳ خالص بازپرداخت اوراق قرضه فدرال دولتی معادل ۲۸ میلیارد دلار و خالص بازپرداخت وامهای صندوق بین‌المللی پول و سایر طلبکاران در طی دوره مذکور حدود ۱۹ میلیارد دلار خواهد بود. بنابراین در فاصله سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۳ دولت آرژانتین جهت بازپرداخت بدهیها به ۴۷ میلیارد دلار نیاز دارد. از سوی دیگر این مبلغ حتی میتواند بیشتر هم شود، چرا که ممکن است دولت آرژانتین جهت نیل به هدف کسری بودجه صفر مجبور به استقراض بیشتری شود. همچنین ممکن است به مبلغ ۴۷ میلیارد، حدود ۸ میلیارد دلار نیز جهت مستهلک نمودن بدهیهای سررسید شده استاتها اضافه شود.

درخصوص مشکل تامین مالی بدهیهای سررسید شده در کشور آرژانتین دو نکته مهم وجود دارد: اولاً، هزینه مربوط به بار اقتصادی استقراضهای جدید در نرخهای بهره بالاتر و ثانیاً، مشکل دسترسی به منابع مورد نیاز که به نظر میرسد مهمتر از مشکل اولی باشد. بدیهی است که اگر فاصله نرخهای بهره وامها همچنان بالا باقی بماند، احتمال زیادی وجود دارد که دولت آرژانتین نتواند مبلغ ۴۷ میلیارد دلار مورد نیاز خود را تامین نماید. در چنین سطحی از فاصله نرخهای بهره احتمال عرضه سرمایه جدید جهت ایجاد فاصله بیشتر در نرخهای بهره بیشتر است. عبارت دیگر، نرخهای بهره بهترین علامت برای نشان دادن ریسکهای اعتباری موجود است و سرمایه‌گذارها نیز با توجه به آن انجام میشود.

همچنین پاسخ به سوال مطرح شده در ابتدای این بخش در مورد تجدید ساختار بدهیها بستگی به این دارد که آیا شرایط اقتصادی آرژانتین در سال ۲۰۰۲، شرایط عادی خواهد بود یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این سوال، امکان عدم استمهال بدهیها و تجدید ساختار بدهیها در قالب عملیاتی چون بیع متقابل و تبدیل بدهیها (سوآپ)، وجود دارد. از سوی دیگر اگر پاسخ منفی باشد و شرایط بهبود نیابد، به تعویق انداختن بازپرداخت بدهیها در فاصله سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۵ غیرقابل اجتناب است، در خاتمه می‌توان برای اجتناب از وقوع بحران اقتصادی راه‌حلهای زیر را پیشنهاد نمود:

۱- انجام سوآپ اوراق قرضه برای تبدیل بدهیها، با استفاده از حمایت مالی موسسات چند جانبه. البته باوجود تفاوت نرخهای بهره موجود در سطح فعلی، انتظار نمی‌رود که دستیابی به منابع مالی را جهت استفاده مذکور (تبدیل بدهیها) تضمین نماید.

۲- به تعویق انداختن بازپرداخت اصل بدهیها و کاهش نرخهای بهره نیز میتواند راه حل ایده‌آلی برای مشکل بدهیهای آرژانتین باشد. شایان ذکر است^۱ که سررسید حدود نیمی از اوراق قرضه دولتی آرژانتین (۴۵ میلیارد دلار) در خلال سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۲ میباشد. در ماه اکتبر سال ۱۹۹۹، دولت آرژانتین، اوراق قرضه جدیدی را در نرخهای پایین، با یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری که از بانک جهانی گرفته بود، منتشر نمود. در آن هنگام، شش اوراق قرضه ۲۵۰ میلیون دلاری (مجموعه ۱/۵ میلیارد دلار) دیگر نیز با استفاده از تضمین چرخشی^۲ منتشر نمود و توانست رتبه‌ای در سرمایه‌گذاری را کسب نماید. این تضمین ۲۵۰ میلیون دلاری برای اولین سری اوراقی که سررسید میشد مورد استفاده قرار میگرفت و سپس به سربهای بعد منتقل میشد و الی آخر. نرخ بهره متوسط حدود ۹/۳۱ درصد (یا ۳۸۶ واحد درصد بالاتر از اوراق خزانه آمریکا) بود. با در نظر گرفتن شرایط موجود در آرژانتین تضمین مذکور میتواند تا سه برابر (یا حتی چهار برابر) تضمین را تقویت نماید.

۳- در حال حاضر و در شرایط هجوم مردم آرژانتین به بانکها برای برداشت سپرده‌های خود جهت جلوگیری از کاهش ارزش آن، دولت آرژانتین میتواند اعلام نماید که تمام سپرده‌های به پرو را به دلار تبدیل و تضمین نماید که اگر مردم بهره این سپرده‌ها را نیز برداشت نمایند بهره را نیز به همان دلار پرداخت نماید. بکارگیری چنین سیاستی میتواند گامی در جهت جلوگیری از هجوم مردم به بانکها و بروز ورشکستگی بانکها و همچنین ایجاد اعتماد عمومی باشد

1. The Institute of International Finance (IIF), Economic Report Argentina, October, 26, 2001

2. Rolling guarantee

مآخذ

الف- منابع داخلی:

- ۱- روزنامه ایران - آرژانتین بدون رئیس جمهوری مانده است، ۱۱ دی ماه ۱۳۸۰.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره مطالعات و سازمانهای بین‌المللی، گزیده اخبار سیاسی روز به نقل از خبرگزاری رویتر - اخبار روزهای مختلف آذرماه و دی ماه ۱۳۸۰.
- ۳- روزنامه همشهری - دو سوی آند - منبع نشریه لوموند - نویسنده Jean Matiuk
۱۱ دی ماه ۱۳۸۰.
- ۴- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران - کتاب سبز - آرژانتین، اصغری احمدرضا
۱۳۷۴.
- ۵- اخبار منتشره از سوی خبرگزاریهای معتبر بین‌المللی در ماههای آذر و دی ماه ۱۳۸۰.

ب- منابع خارجی:

1. The Institute of International Finance (IIF), Economic Report Argentina ,October, 26, 2001.
2. Financial Times , November and December 2001, January 2002.
3. BNP PARIBAS, Argentina's Dilema, November 12-25 2001.